

مکتب کپنهاگ و امنیت زیست‌محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت‌های سازمان رامپی

بهاره سازمند^۱

چکیده

پایان جنگ سرد فرصت تازه‌ای را برای بسط مطالعات امنیتی خارج از چارچوب منازعه دو ابر قدرت فراهم آورد و از لحاظ نظری تأثیری اساسی در کل الگوی امنیت بین‌المللی بر جای گذاشت. از جمله مکاتبی که توانست چشم‌انداز متفاوتی را در حوزه مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد ارائه دهد مکتب کپنهاگ بود. این مکتب تلاش کرده است امنیت را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد و طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی نیز در همین راستا صورت گرفته است.

منطقه خلیج فارس و دریای عمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پهنه‌های آبی جهان به لحاظ تنوع زیستی، منابع شیلاتی و به‌خصوص منابع نفتی غنی اکوسیستمی منحصربه‌فردی به‌شمار می‌رود. اما به‌رغم برخورداری از منابع و ذخایر متنوع و موقعیت منحصربه‌فرد؛ فعالیت‌های انسانی و بهره‌برداری پرشتاب و بی‌رویه موجب تخریب و آلودگی این اکوسیستم حساس و شکننده و حتی تهدید امنیت در منطقه شده است.

با توجه به اینکه تلاش برای تحقق امنیت زیست‌محیطی دولت‌ها را وادار می‌کند تا از طریق ایجاد سازمان‌های همکاری‌های منطقه‌ای این هدف را دنبال کنند در منطقه خلیج فارس نیز سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (رامپی) در سال ۱۹۷۹ با عضویت ایران، عربستان، عراق، کویت، قطر، عمان، بحرین و امارت متحده عربی ایجاد شده است. اگرچه این سازمان اقداماتی را به منظور حفظ محیط زیست دریایی خلیج فارس صورت داده است اما با گسترش تهدیدات زیست‌محیطی در خلیج فارس و دریای عمان در چند سال اخیر، به نظر می‌رسد این سازمان در برخی مواقع با چالش‌هایی مواجه بوده است.

بنابراین هدف از نگارش این مقاله بررسی چالش‌ها و موانع پیش روی سازمان رامپی در خصوص حفظ محیط زیست دریایی خلیج فارس با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. مطالب ارائه شده در مقاله ذیل چهار مبحث قرار می‌گیرد. در مبحث اول، موضوع امنیت زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت در مکتب کپنهاگ بررسی می‌شود. در مبحث دوم به چالش‌های زیست‌محیطی خلیج فارس پرداخته می‌شود. در مبحث سوم تاریخچه شکل‌گیری سازمان رامپی و فعالیت‌های این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مبحث چهارم هم مهم‌ترین چالش‌ها و موانع پیش روی رامپی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در این خصوص ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، امنیت زیست‌محیطی، مکتب کپنهاگ، سازمان رامپی.

۱- استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

امروزه کشورها ناگزیر به رویارویی و پاسخگویی به تهدیدات و چالش‌هایی هستند که پیش از این در ادبیات امنیت نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدات امنیتی غیر سنتی، توسعه، بقا و بهزیستی نوع بشر و دولت‌ها را با تهدیدات و چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. بر این اساس، تهدیدات امنیتی غیر سنتی ذاتاً غیر نظامی و فراملی هستند که در نتیجه جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات به سرعت پخش می‌شوند. بدین معنا تهدیدات غیر سنتی خطرناک‌تر از تهدیدات سنتی هستند زیرا:

۱. این تهدیدات نهادهای حکومتی و جمعیت‌های غیر نظامی (مدنی) را تهدید می‌کنند و خاستگاه آنها انسان غیر دولتی و عوامل طبیعی است. از این رو، تهدیدات ممکن است نتیجه اعمال مشخص اشخاص و گروه‌های اجتماعی باشند تا اقدامات دولتی. بر این اساس، وقوع تهدیدات غیرسنتی، پیش‌بینی ناپذیر است و افزایش و تحرک و گسترش فعالیت افراد، شدت انتشار و تکثیر سریع آنها را در جهان تشدید می‌کند.

۲. اثرات غیرمستقیم این امور می‌تواند موجب زیان‌های هنگفت اقتصادی برای منطقه یا کل جهان شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹).

یکی از حوزه‌های اصلی این تهدیدات غیر سنتی و جدید تهدیدات زیست‌محیطی است. شمار فزاینده‌ای از تهدیدات غیرسنتی زیست‌محیطی از قبیل تجارت مواد مخدر، تروریسم بیولوژیک، تغییر اقلیم، فرسایش محیطی فرامرزی، کاهش منابع، بلایای طبیعی، بیماری‌های واگیردار، مهاجرت بی‌رویه، کمبود مواد خوراکی، تشدید طوفان‌ها و سیلاب‌هایی که برآیند پوی‌های انسانی و گرمایش جهانی به شمار می‌روند از جمله تحولات و تهدیدات دو دهه گذشته بوده‌اند که با خاستگاه‌های مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی سربرآورده‌اند و پیش از این، طی تاریخ بشر بدین‌سان وجود نداشته به گونه‌ای که پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای کشورهای خاص یا جامعه بین‌الملل به دنبال داشته‌اند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۹).

بنابراین مسائل زیست‌محیطی دولت‌ها را وادار کرده تا در همکاری‌های بین‌المللی بیشتر وارد شوند. دلیل آن هم این است که فرسایش زیست‌محیطی نوعی «تهدید» را به وجود آورده که نه تنها تهدیدی برای دولت‌ها است بلکه یک تهدید برای بشریت به عنوان یک کل است. این امر تهدیدی برای مشترکات جهانی یعنی اقیانوس‌ها، دریاها، لایه ازن و سیستم آب و هوا است. بنابراین برخی از پژوهشگران روابط بین‌الملل به منظور مقابله با این تهدید نیاز به همکاری‌های جهانی را ضروری می‌بینند. در همین راستا مسائل زیست‌محیطی در سال‌های اخیر همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را به وجود آورده است. گسترش این تهدیدات زیست‌محیطی به گونه‌ای بوده که از یکسو سبب تشکیل رژیم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای زیست‌محیطی برای مقابله با این‌گونه تهدیدات از جمله

باران اسیدی، نابودی لایه ازن، گرم شدن زمین و از بین رفتن تنوع زیستی شده (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۳۲۸) و از سوی دیگر نیز موجبات بازنگری در مفهوم امنیت را فراهم کرده است. از جمله مکاتبی که به بازنگری در مفهوم امنیت پرداخته و تعریفی موسع از این مفهوم را ارائه کرده است مکتب کپنهاگ (Copenhagen School) است. در واقع پایان جنگ سرد فرصت تازه‌ای را برای بسط مطالعات امنیتی خارج از چارچوب منازعه دو ابر قدرت فراهم آورد و از لحاظ نظری تأثیری اساسی در کل الگوی امنیت بین‌المللی بر جای گذاشت و از جمله مکاتبی که توانست چشم‌انداز متفاوتی را در حوزه مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد ارائه دهد مکتب کپنهاگ بود. این مکتب تلاش کرده است امنیت را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد و طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی نیز در همین راستا صورت گرفته است.

منطقه خلیج فارس و دریای عمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پهنه‌های آبی جهان به لحاظ تنوع زیستی، منابع شیلاتی و به‌خصوص منابع نفتی غنی اکوسیستمی به‌شمار می‌رود. اما به‌رغم برخورداری از منابع و ذخایر متنوع و موقعیت منحصربه‌فرد؛ فعالیت‌های انسانی و بهره‌برداری پرشتاب و بی‌رویه موجب تخریب و آلودگی این اکوسیستم حساس و شکننده و حتی تهدید امنیت در منطقه شده است.

با توجه به اینکه تلاش برای تحقق امنیت زیست‌محیطی دولت‌ها را وادار می‌کند تا از طریق ایجاد سازمان‌های همکاری‌های منطقه‌ای این هدف را دنبال کنند در منطقه خلیج فارس نیز سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی) در سال ۱۹۷۹ با عضویت ایران، عربستان، عراق، کویت، قطر، عمان، بحرین و امارت متحده عربی ایجاد شده است. اگرچه این سازمان اقداماتی را به منظور حفظ محیط زیست دریایی خلیج فارس صورت داده است اما با گسترش تهدیدات زیست‌محیطی در خلیج فارس و دریای عمان در چند سال اخیر، به نظر می‌رسد این سازمان در برخی مواقع با چالش‌هایی مواجه بوده است.

بنابراین هدف از نگارش این مقاله بررسی چالش‌ها و موانع پیش روی سازمان رامپی در خصوص حفظ محیط زیست دریایی خلیج فارس با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. مطالب ارائه شده در مقاله ذیل چهار مبحث قرار می‌گیرد. در مبحث اول، موضوع امنیت زیست‌محیطی به عنوان یکی از ابعاد امنیت در مکتب کپنهاگ بررسی می‌شود. در مبحث دوم به چالش‌های زیست‌محیطی خلیج فارس پرداخته می‌شود. در مبحث سوم تاریخچه شکل‌گیری سازمان رامپی و فعالیت‌های این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مبحث چهارم هم مهم‌ترین چالش‌ها و موانع پیش روی رامپی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در این خصوص ارائه می‌شود.

مکتب کپنهاگ و بازنگری در مفهوم امنیت

تاکنون برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی موضوعات امنیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که با ارائه پیش‌فرض‌ها و چارچوب مطالعاتی متفاوت در مورد امنیت ملی و امنیت بین‌الملل، افق‌های تازه‌ای را در حوزه مطالعات امنیتی به وجود آورده‌اند (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۲۵). از جمله نظریه‌هایی که در دوره معاصر و پایان جنگ سرد در خصوص امنیت ارائه شده است مکتب کپنهاگ است که تلاش کرده تا مفاهیم و دیدگاه‌های تازه‌ای را در حوزه مطالعات امنیتی پدید آورد که با رویکرد سنتی مطالعات امنیتی دوران جنگ سرد تفاوت قابل توجهی دارد (کالجی و داداندیش، ۱۳۸۹: ۳۴).

در پی ظهور و بروز تهدیدات امنیتی جدید، بنیانگذاران مکتب امنیتی کپنهاگ از جمله باری بوزان، الی ویور و دووید با انتقاد از آنچه آن‌را برداشت ساده انگارانه از مفهوم امنیت می‌نامند، اظهار داشتند که بر خلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد آرمانگرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد به عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری می‌باشد (ر.ک: بوزان و دیگران، ۱۳۸۶).

مکتب کپنهاگ برخلاف سنت‌گرایان که مقوله امنیت را به یک بخش خاص محدود می‌سازند، با فراخ‌نگری مدعی است که امنیت نوع ویژه‌ای از سیاست است که می‌توان آن‌را به بخش‌های مختلف تقسیم کرد (داداندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۷۴)، پس اولین کار مکتب خارج ساختن موضوع امنیت از دایره تنگ تفسیرهای سنت‌گرایان است. البته فراخ‌نگری مکتب کپنهاگ به این معنی نیست که درصدد است تا استدلال‌های سنت‌گرایان را کاملاً کنار بگذارد، بلکه با ارائه راهکار باز گذاشتن دستور کار امنیت بر روی انواع تهدیدات، دیدگاه سنت‌گرایان را هم پوشش می‌دهد. لازم به توضیح است که بازگذاشتن دایره دستور کار امنیت بر روی انواع تهدیدها به معنی عدم انسجام در اندیشه‌های صاحب‌نظران مکتب نیست، بلکه مکتب تلاش دارد تا هر تهدید یا آسیب‌پذیری را مسأله امنیتی نداند و با بررسی دقیق مسائل و تمایز بین مسائل سیاسی و امنیتی، انسجام لازم را به مفهوم امنیت ببخشد. به عبارت دیگر مکتب تنها مسائل و تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی را امنیتی می‌داند که تهدید وجودی برای یکی از موضوعات امنیتی در بخش‌های مختلف به شمار آید. برای این مهم و برای مشخص شدن تهدیدات وجودی، مکتب امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تقسیم می‌کند. اما هر بخش را به عنوان یک واحد مجزا و بدون ارتباط با سایر بخش‌ها نمی‌داند و این بخش‌بندی صرفاً با هدف مدیریت پذیرش متغیرهای دخیل صورت می‌گیرد (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: فصل اول).

در واقع مکتب کپنهاگ تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی می‌باشد و هم‌چنین جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل، برای مطالعات امنیتی تلاش کرد و مطالعات امنیتی را از مطالعات استراتژیک تفکیک و آن را ذیل مطالعات امنیتی قرار داد. به طور کلی می‌توان پنج مفروضه را به عنوان مفروضات اصلی مکتب کپنهاگ مورد شناسایی قرار داد: امنیت موسع به جای امنیت مضیق، توسعه سطوح تحلیل امنیت، امنیتی ساختن، تعامل نگرش عینی و ذهنی و در نهایت روش‌شناسی کمی و کیفی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

بر این اساس ابتدا بوزان امنیت مضیق را زیر سؤال برد و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد (ر.ک: بوزان و دیگران، ۱۳۸۶). با وجود این مکتب کپنهاگ امنیت نظامی را یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت می‌داند و معتقد است، امنیت نظامی دارای تأثیر بسیار زیادی بر ابعاد سه‌گانه دولت یعنی ایده، نهادها و پایگاه‌های مادی آن است و می‌تواند موجب اختلال و یا حتی نابودی نهادها و پایگاه‌های مادی دولت گردد و تفکر مربوط به دولت را سرکوب و یا تخریب کند. از دیگر مباحث بسیار مهم در این مکتب مفهوم امنیتی ساختن (securization) است. امنیتی ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، در حالی که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است.

بوزان و همکاران برای این منظور یک طیف سه درجه‌ای شامل؛ موضوعات غیر سیاسی (مسائلی که دولت با آن سر و کار ندارد)، موضوعات سیاسی (منجر به تصمیم‌گیری و اختصاص منابع توسط دولت می‌شود) و موضوعات امنیتی ترسیم می‌کند. در این حوزه دو شرط برای اینکه موضوعی امنیتی شود که عبارت است از؛ گفتمان امنیتی‌ساز و شکستن قوانین و رویه‌های موجود.

گفتمان‌های امنیتی‌ساز شامل بازیگران امنیتی‌ساز و بازیگران کارآمد است. بازیگران امنیتی‌ساز، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند. بازیگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند. معمولاً بازیگران امنیتی‌ساز شامل رهبران، دولت‌ها، احزاب و مواردی از این قبیل می‌باشند و بازیگر کارآمد مانند یک مؤسسه مطالعاتی ایده‌پرداز در مسائل امنیتی است.

البته باید توجه داشت که از نظر نمایندگان این مکتب، عامل موفقیت امنیتی ساختن، پرهیز از قرار دادن همه نوع اقدام گفتاری به عنوان پدیده امنیتی است. بنابراین باید پدیده‌ها و موضوعاتی را امنیتی ساخت که قرار دادن آن در چارچوب مفهوم تهدیدات وجودی (existential threats) امکان‌پذیر باشد و به بیان دیگر شایستگی انتساب به چنین مفهومی را داشته باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۶).

در مجموع، مکتب کپنهاگ، امنیتی شدن موفق را در سه عامل خلاصه می‌کند: اول انطباق پدیده با تهدید وجودی، دوم ضرورت اقدام اضطراری درخصوص برخورد با آن پدیده و به بیان دیگر فوریت داشتن مواجهه با آن پدیده و سوم تأثیر بر روابط میان واحدها (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۶).

مفهوم امنیت زیست‌محیطی

تحت تأثیر شرایط به وجود آمده در دوران پس از جنگ سرد محیط زیست به عنوان کانون اصلی نگرانی‌ها و علت بالقوه کشمکش‌های سیاسی سربرآورد و پیامدهای بین‌المللی فرسایش محیط زیست در بازنگری مفهوم امنیت جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند و مفهوم امنیت به نحوی توسعه پیدا کرد که تهدیدات و خطرات زیست‌محیطی را در بر گرفت (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۰). بنابراین طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی ناظر بر اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۰).

برخی تحلیل‌گران امنیت زیست‌محیطی را «امنیت بنیادین» خوانده‌اند و برخی دیگر آن را مایه مخدوش شدن معنای راستین امنیت می‌دانند و موضع‌گیری برخی نیز در بینابین این دو دیدگاه قرار می‌گیرد. برخی از پژوهشگران از پشت عینک سیاسی و نظامی امنیت زیست‌محیطی را به بررسی می‌گذارند و برخی دیگر آن را موضوعی مربوط به رفاه اجتماعی می‌دانند. در حوزه روابط بین‌الملل، تلاش‌هایی که برای امنیتی کردن ارزش‌های زیست‌محیطی صورت گرفته سابقه بسیار کوتاه و تازه‌ای دارد و از سال ۱۹۷۲ یعنی زمان برگزاری کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست بشر بروز و ظهور یافته است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۱۸).

تاکنون از امنیت زیست‌محیطی تعاریف مختلفی ارائه شده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. امنیت زیست‌محیطی وضعیتی است که یک کشور یا یک منطقه از رهگذر حکمروایی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، گام‌های مؤثری به سوی ایجاد ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیتش بردارد.

۲. امنیت زیست‌محیطی محافظت از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط زیست طبیعی در برابر تهدیدات برخاسته از برخوردهای انسانی و طبیعی در محیط زیست است.

۳. امنیت زیست‌محیطی محافظت از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی برخاسته از روندها و تهدیدات منفی در توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیست‌محیطی و عملکرد پایدار زیست‌بوم و بقای نوع بشر را تهدید می‌کند. بر این پایه امنیت زیست‌محیطی بخش جدایی‌ناپذیر امنیت ملی است.

۴. امنیت زیست محیطی، ایمنی عمومی نسبی از خطرات زیست محیطی با خاستگاه فرایندهای طبیعی و انسانی ناشی از جهالت، تصادف، سوء مدیریت یا عمد با منشاء درونی و در داخل مرزهای ملی است.

۵. امنیت زیست محیطی، پویای انسان محیط است که شامل بازسازی محیط زیست آسیب دیده از اقدامات نظامی، و بهسازی وضعیت کمبود منابع ناشی از فرسایش محیطی و تهدیدات بوم‌شناسی است که می‌تواند به نابسامانی‌های اجتماعی و کشمکش بینجامد (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۱).

۶. امنیت زیست محیطی، محافظت از محیط کالبدی (فیزیکی) جامعه در عین تأمین نیازهای آن بدون کاهش ذخایز طبیعی است.

۷. امنیت زیست محیطی رهایی از بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از فرسایش محیط زیست است.

۸. امنیت زیست محیطی چرخه منابع طبیعی در تولید و مواد پسماند برای طبیعت است به شیوه‌ای که ثبات اجتماعی را ارتقاء دهد.

بر این اساس، عناصر بنیادی امنیت زیست محیطی شامل: بهسازی کمبود منابع طبیعی، حفظ سلامت محیط زیست، بهسازی فرسایش محیط طبیعی، پیشگیری از نابه‌سامانی اجتماعی و کشمکش و افزایش ثبات اجتماعی است. چنین ویژگی‌هایی محیط زیست را کانون مطالعات ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار داده است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۲).

بری بوزان، الی ویور و پاپ دو ویلد که از متفکرین مکتب کپنهاگ به شمار می‌روند در کتابی با عنوان چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ضمن بررسی دقیق مفهوم امنیت، آن را به پنج حوزه طبقه‌بندی کردند که امنیت زیست محیطی یکی از این حوزه‌ها به شمار می‌رود. آنها در فصل چهارم این کتاب با عنوان «بخش محیط زیست» اذعان می‌دارند که بخش محیط زیست به واسطه تنوع چشمگیر موضوعاتش بخش پیچیده‌ای است. مهم‌ترین موضوعاتی که در این حوزه مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از:

- برهم خوردن اکوسیستم‌ها، شامل تغییرات اقلیم؛ از دست رفتن تنوع زیستی؛ از بین رفتن جنگل‌ها؛ گسترش بیابان‌ها و دیگر اشکال فرسایش زمین؛ زوال لایه اوزون و انواع مختلف آلودگی.
- مشکلات انرژی شامل تهی شدن منابع طبیعی مانند جنگل‌های تأمین کننده سوخت؛ اشکال گوناگون آلودگی شامل فجایع ناشی از سوء مدیریت (به ویژه در ارتباط با انرژی هسته‌ای، حمل و نقل نفت و صنایع شیمیایی) و کمیابی و توزیع نابرابر.
- مشکلات جمعیتی شامل رشد جمعیت و مصرف‌گرایی در حدی خارج از توان تحمل زمین، بیماری‌های واگیردار و به طور کلی ضعف شرایط بهداشتی، افت نسبت باسوادی و مهاجرت‌های سیاسی و اجتماعی غیرقابل کنترل از جمله شهرنشینی مهارناپذیر.

- مشکلات غذایی شامل فقر، گرسنگی، مصرف بیش از حد و بیماری‌های مرتبط با آنها؛ از دست رفتن خاک حاصلخیز و منابع آب، بیماری‌های واگیردار و به طور کلی ضعف شرایط بهداشتی.
- مشکلات اقتصادی شامل حمایت از شیوه‌های ناپایدار تولید، بی‌ثباتی اجتماعی مستقر در ذات الزامات رشد و عدم تقارن و نابرابری ساختاری.
- کشمکش مدنی، شامل خسارات زیست‌محیطی ناشی از جنگ از یکسو و خشونت مرتبط با زوال محیط زیست از سوی دیگر (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۳).
- بوزان و همکاران بیان می‌کنند: «روشن است که هر مطلبی که درباره امنیت زیست‌محیطی منتشر می‌شود به تمام این موضوعات نمی‌پردازد و همه این موضوعات نیز همیشه صبغه امنیتی پیدا نمی‌کنند. در بخش محیط زیست سخن از ادعای امنیتی بودن مسائل به تازگی مطرح شده است و به واسطه ریشه‌دار نبودن در جامعه در برابر حرکت‌های مخالف آسیب‌پذیرتر است» (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۶).
- از نظر بوزان و همکاران مانند بخش نظامی بخش محیط زیست هم آکنده از بازیگران صاحب نقش است. گروه بزرگی از این بازیگران، بازیگران اقتصادی (شرکت‌های فراملی، شرکت‌های دولتی، صنایع کشاورزی، شیمیایی و هسته‌ای، شرکت‌های ماهی‌گیری و مانند آنها) هستند که فعالیت‌هایشان پیوند مستقیمی با کیفیت محیط زیست دارد. این‌ها کنشگران صاحب‌نقشی هستند که رفتارشان بر اکوسیستم‌ها تأثیر می‌گذارد و به طور کلی تمایلی به سیاسی کردن فعالیت خود ندارند چه رسد به امنیتی کردن آنها. ولی وجه اشتراک آنها این است که همگی کنشگران اقتصادی بزرگی هستند که انگیزه آنها سودآوری اقتصادی است و عمدتاً در اغلب موارد با موضع‌گیری منفی در کانون مباحثات زیست‌محیطی حضور دارند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۹).
- دسته دیگری از کنشگران صاحب نقش، حکومت‌ها و کارگزاری‌های آنها و نیز برخی از سازمان‌های بین‌المللی دولتی هستند. حکومت‌ها ضمن وضع مقررات زیست‌محیطی برای کنشگران اقتصادی، نحوه اجرای خوب یا بد این مقررات را نیز تعیین می‌کنند. آنها با تشکیل ادارات فرعی ناظر بر مسائل زیست‌محیطی، پی‌ریزی سازمان‌های بین‌المللی دولتی مانند برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)، توسعه حقوق بین‌الملل و افزودن وظایف تازه‌ای به فهرست وظایف سازمان‌های بین‌المللی دولتی موجود مانند فائو و بانک جهانی امکان آن را فراهم می‌سازند تا ملاحظات امنیتی زیست‌محیطی تاحدودی نهادینه شود (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

تهديدات امنيت زيست‌محيطی خلیج فارس

خلیج فارس از نظر گیاهان آبی و جریان مرجانی بسیار غنی است و وضعیت موجود، شرایط مناسبی جهت رشد و نمو گونه‌های مختلف ماهی و میگو و سایر جانداران دریایی مانند گاو دریایی و لاک‌پشت به وجود آورده است. گیاهان و جانوران خلیج فارس به آبزبان حاره‌ای وابستگی دارند و جوامع زیستی آنها نیز دارای ویژگی‌ها و نیازهای زیست‌محیطی اکوسیستم‌های مناطق گرمسیری است، چنین اکوسیستم‌هایی متکی به انرژی خورشیدی هستند تا به بستر دریا نفوذ کرده و زمینه فتوسنتز را برای گیاهان دریایی از قبیل جلبک‌ها و مرجان‌ها فراهم سازند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴).

بنابراین اگرچه از نظر اکولوژیکی خلیج فارس جزو مناطق منحصر به فرد است اما شرایط حاکم بر این دریا نیز ویژه می‌باشد و می‌تواند به شدت نظام اکولوژیکی منطقه را بر هم زند. از جمله شرایط طبیعی حاکم بر خلیج فارس که محیط زیست آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. خصوصیت نیمه بسته بودن و تبادل و جابجایی اندک و ناچیز با اقیانوس هند از طریق تنگه هرمز و دریای عمان؛

۲. تبخیر بیش از میزان تغذیه؛

شوری بیش از میانگین معمول (عسگری، ۱۳۸۹: ۴۹).

به‌علاوه محیط زیست منطقه بر اثر فعالیت‌های گوناگون انسان دستخوش تحولاتی شده است. زیرا وجود منابع سرشار نفت در خلیج فارس باعث رشد شهری و صنعتی این منطقه شده و افزایش جمعیت را در پی داشته است. و این تمرکز جمعیت و فعالیت‌های صنعتی باعث تخریب در اکوسیستم آبی منطقه شده است. تخلیه زباله و مواد زائد، شستشوی کشتی‌هایی که در حال آمد و شد هستند، تردد نفت‌کش‌ها و دفع فاضلاب پالایشگاه‌ها و نیز آتش سوزی در اسکله‌های نفتی و تجاری همه و همه باعث آلودگی و دگرگونی‌های بزرگی در اکوسیستم خلیج فارس شده است که اگر ادامه پیدا کند عوارض جبران ناپذیری را به وجود خواهد آورد.

به دلایل فوق و دیگر دلایل ذیل از جمله استخراج منابع نفتی، نشست نفت، تولید مواد پتروشیمی، صنعتی شدن کشورهای حاشیه به طور بی‌رویه، نبود مدیریت علمی منسجم، تردد زیر دریایی‌ها و غیره، خلیج فارس یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی از نظر زیست‌محیطی می‌باشد، به نحوی که می‌توان گفت کمتر منطقه‌ای در جهان با چنین ابعادی در ویرانی محیط زیست مواجه بوده است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴؛ اقارب‌پرست و همتی، ۱۳۸۷).

در مجموع می‌توان گفت که مهم‌ترین آلودگی‌های زیست‌محیطی خلیج فارس عبارتند از:

۱. آلودگی ناشی از مواد شیمیایی (غیر نفتی) و میکروبی

۲. آلودگی ناشی از فلزات سنگین

۳. آلودگی ناشی از باران‌های اسیدی

۴. آلودگی ناشی از جنگ

۵. آلودگی ناشی از حمل نقل

۶. آلودگی نفتی خلیج فارس (ر.ک: لطفی و همکاران، ۱۳۸۹).

با نگاهی تفصیلی‌تر می‌توان گفت که به طور میانگین سالیانه بیش از ده هزار شناور به خلیج فارس تردد می‌کنند که هفتاد و پنج درصد آنها برای حمل نفت خام به این دریا می‌آیند. خلیج فارس یک آبراه بین‌المللی است که نقش آن در انتقال انرژی مصرفی جهان در آینده بیشتر خواهد شد. در حال حاضر سالانه بیش از یک و نیم میلیون تن نفت خام وارد آب‌های خلیج فارس می‌شود که در نوع خود یک فاجعه زیست‌محیطی است. این میزان نفت حاصل نشت نفت از لوله‌ها، تأسیسات نفتی و تخلیه آب بالانس کشتی‌هاست. حدود ۳۸ درصد آب بالانس نفت‌کش‌ها دارای نفت خام می‌باشند و طبعاً با افزایش تولید نفت آلودگی حاصل از این فعالیت نیز بیشتر خواهد شد. هم‌اکنون روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از طریق خلیج فارس جا به جا می‌شود. حمل روزانه چنین مقدار عظیم نفت، آثار زیان‌باری به لحاظ زیست‌محیطی به دنبال داشته است. به عنوان نمونه آلودگی نفتی مستقیم و غیرمستقیم روی عناصر و منابع زنده محیط اثر گذاشته و باعث از بین رفتن آنی یا تدریجی آنها می‌شود. بیشترین اثرات آلودگی نفتی روی جوامع گیاهی کف دریا و جزایر مرجانی که خود محل مناسبی برای تکثیر و لانه‌گذاری ماهیان و رشد لارو آنهاست، گذاشته می‌شود. از بین رفتن جوامع گیاهی در اثر آلودگی‌های نفتی در خلیج فارس باعث کاهش جمعیت جانوران تغذیه کننده از گیاهان ارقیبیل خرچنگ‌ها، لاک‌پشت‌ها و گاوهای دریایی و همچنین میگوها می‌شود. به علاوه لایه‌های نفت باعث افزایش جذب نور آفتاب و افزایش درجه حرارت محیط و به هم خوردن روند فعل و انفعالات اکولوژیک و زیستی در محیط می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹: ۴۹).

از آن جا که خلیج فارس و دریای عمان از دیرباز یکی از پرترددترین مناطق حمل و نقل دریایی بوده است و در نتیجه، ورود ضایعات حاصل از کشتی‌ها، تخلیه آب توازن، باقی مانده مواد نفتی حاصل از تراوش و شستن اتاق و تأسیسات موتورخانه آن‌ها به این محدوده آبی تهدیدی جدی برای محیط زیست دریایی منطقه به ویژه موجودات زنده آن به وجود آورده است و متعاقب آن آلودگی شدید در محیط زیست دریایی منطقه را نیز به همراه داشته که این امر ناشی از کمبود مراکز دریافت آب توازن و مواد زاید در منطقه می‌باشد.

همان طور که گفته شد، این منطقه شاهد وقوع سه دوره جنگی بوده است که حاصل دو دوره از آن وجود تعداد زیادی کشتی‌های شکسته و منهدم شده و مدفون در دریا می‌باشد که این وضعیت

می‌تواند برای خطوط کشتیرانی، حمل و نقل و جابه‌جایی بار و یا عملیات پمپاژ کردن خطر آفرین باشد و بالطبع بر اکوسیستم منطقه اثر بگذارد (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۹).

ساخت جزایر مصنوعی از مسائل زیست محیطی دیگر در خلیج فارس می‌باشد. در ساخت جزایر مصنوعی دولت‌های سازنده در قبال سایر دولت‌های همجوار و به ویژه در زمینه حفظ محیط زیست دریایی و منافع مشترک دولت‌های پیرامونی مسئول هستند. از طرفی براساس حقوق بین‌الملل همه کشورها از حق احداث جزایر مصنوعی در مناطق دریایی برخوردارند و نمی‌توان ادعایی علیه هیچ کشوری به صرف احداث تأسیسات مصنوعی مطرح نمود مگر اینکه به منافع مشترک سایر دولت‌ها لطمه زده یا به قوانین محیط زیست دریایی بی‌توجه باشد.

امروزه پروژه‌های متعددی در ارتباط با ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس در دستور کار کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار دارد که عبارتند از:

بحرین: ساخت جزیره دو دریا؛

کویت: ساخت جزیره تفریحی سبز؛

قطر: ساخت جزیره مروارید با امکانات کامل برای زندگی سی هزار نفر؛

امارات: ساخت جزیره لولو بزرگترین جزیره مصنوعی جهان در ابوظبی و ساخت جزیره نخل جمیره در دبئی. در برنامه‌های دراز مدت این کشورها ساخت ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس در دستور کار دولت‌های ساحلی جنوب خلیج فارس قرار دارد که می‌تواند عامل تخریب زیست محیطی خلیج فارس؛ و عامل نابودی مرجانها و زیست‌جانوری در خلیج فارس باشد. خلیج فارسی که با دارا بود ۶۰۰ گونه ماهی مختلف یکی از متنوع ترین دریاها از لحاظ تعدد گونه‌های جانوری آبی می‌باشد (تنگسیری، ۱۳۹۱). در مجموع می‌توان آثار زیانبار ساخت جزایر مصنوعی را بر محیط زیست خلیج فارس را به شرح ذیل بیان نمود:

۱- تهدید امنیت زیستی پرندگان مهاجر و جانداران جزایر غیر مسکونی خلیج فارس؛

۲- تخلیه انواع پساب‌های صنعتی به درون خلیج فارس؛

۳- تغییر مسیر جریان‌های طبیعی آب که در توان خودپالایی طبیعی خلیج فارس اختلال جدی ایجاد می‌کند.

۴- نابودی پوشش زنده مرجانی به عنوان یکی از پتانسیل‌های مهم تجمع زیستی خلیج فارس.

از آنجا که خلیج فارس دریایی نیمه بسته است آلودگی‌های زیست محیطی چند سال در این دریا باقی می‌مانند لذا این مسأله باعث شده است که آلودگی زیست محیطی خلیج فارس از استانداردهای بین‌المللی فراتر رود با این اوصاف ساخت جزایر مصنوعی بر این آلودگی خواهد افزود (شکری، ۱۳۹۰).

شکل‌گیری و فعالیت سازمان راپمی

توجه به موضوع محیط زیست در عرصه حقوق و روابط بین‌الملل به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. متعاقب کنفرانس محیط زیست که در سال ۱۹۷۲ توسط ملل متحد در استکهلم تشکیل شد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبادرت به تنظیم برنامه محیط زیست ملل متحد کرد. این برنامه در سال ۱۹۷۶ بر اساس توصیه طرح اجرایی کنفرانس استکهلم مبادرت به تنظیم و تصویب برنامه‌ای موسوم به «دریاهای منطقه‌ای» کرد. نظر به خصوصیات اکولوژیکی و جغرافیایی هر منطقه دریایی و وجود منافع مشترکی بین کشورهای ساحلی این دریاها، کنفرانس استکهلم و برنامه محیط زیست را بر آن داشت که برای دستیابی به نتایج بهتر، مسائل مربوط به محیط زیست دریایی حتی‌الامکان در سطح منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد و برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست دریایی، دولت‌ها اقدام به پذیرش تعهداتی در سطح منطقه کنند. بدین ترتیب خلیج فارس نیز توسط شورای مدیران حکام برنامه محیط زیست ملل متحد در فهرست دریاهای منطقه‌ای قرار گرفت و برنامه محیط زیست ملل متحد، مسئولیت هماهنگی اقدامات کشورهای ساحلی و مؤسسات ملل متحد را به منظور تنظیم یک کنوانسیون منطقه‌ای بر عهده گرفت (ممتاز، ۷-۸).

در همین راستا، مدیر اجرایی برنامه محیط زیست ملل متحد از دولت‌های ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده دعوت کرد که در آوریل ۱۹۷۸ در کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار منطقه‌ای در کویت شرکت کنند.

کنفرانس که با شرکت نمایندگان کلیه کشورهای ساحلی تشکیل شد کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری در حمایت از محیط زیست دریایی در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ به امضا رسید. در این کنفرانس انجام برنامه‌ها و اجرای فعالیت‌های زیر تصویب شد:

- طرح اجرایی کویت برای حفاظت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی
- گردهمایی منطقه‌ای کویت به منظور همکاری در جهت حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی - پروتکل "همکاری منطقه‌ای در جهت مقابله با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره در مواقع اضطراری"
- کشورهای منطقه براساس ماده ۱۶ کنوانسیون کویت توافق کردند که "سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (ROPME) را تشکیل دهند که مقر آن در کشور کویت می‌باشد (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷). شایان ذکر است که کنوانسیون کویت در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸، بعد از سپری شدن نود روز از تاریخ سپرده شدن پنجمین سند تصویب به دولت کویت که عهده‌دار وظایف دولت «نگهدارنده یا امین کنوانسیون» می‌باشد لازم الاجرا شده است (ممتاز: ۹).

اهداف سازمان منطقه‌ای راپمی عبارت است از هماهنگ سازی تلاش کشورهای عضو در مراقبت از سلامت کیفیت آب‌های منطقه دریایی تحت نظارت سازمان، حفاظت از اکوسیستم‌های محیط

زیست و آبزیان موجود در آنها، جلوگیری و ممانعت از آلودگی ناشی از فعالیت‌های مختلف کشورهای ساحلی منطقه دریایی و پرهیز از آلوده کردن منطقه (ساحری و همکاران: ۱۰۰). دولت‌های عضو کنوانسیون کویت متعهد می‌شوند که در محدوده دریایی که در شمول جغرافیایی کنوانسیون است اقدام به جلوگیری و یا کاستن از آلودگی محیط زیست کنند. پنج منبع آلودگی مورد شناسایی کنوانسیون کویت قرار گرفته است: آلودگی ناشی از تردد کشتی‌ها، آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد از کشتی و هواپیما، آلودگی واقع در خشکی، آلودگی ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا و سرانجام آلودگی ناشی از سایر فعالیت‌های انسان. تأکید بر این منابع آلودگی از جمله ویژگی‌های کنوانسیون کویت در مقایسه با دیگر کنوانسیون‌هایی است که تاکنون برای حراست از دریاها و منطقه‌ای تنظیم شده است و برای مقابله با این منابع آلودگی دول عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند که به صورت انفرادی و یا به صورت مشترک کلیه اقدامات لازم را اتخاذ و با یکدیگر همکاری کنند (ممتاز: ۱۰-۱۱).

این سازمان از یک شورا متشکل از نمایندگان دولت‌های متعاقد، یک دبیرخانه و یک کمیسیون قضایی برای حل اختلافات تشکیل شده است (www.ROPME.ORG). و با وجود جو نامساعد حاکم بر منطقه، توانسته است در طول سال‌های اخیر نقش مؤثری در جمع‌آوری اطلاعات اساسی در خصوص محیط زیست منطقه داشته باشد. این سازمان با کمک برنامه محیط زیست ملل متحد و برخی مؤسسات تخصصی آن مطالعاتی را به منظور ارزیابی منشاء و میزان آلودگی و اثرات آن در منطقه انجام داده است (ممتاز، ۱۷).

از عملکردهای سازمان منطقه‌ای راپمی اعمال برنامه‌های پیشی زیست محیطی و انجام گشت‌های دریایی است که از جمله برنامه‌های پیشی آن می‌توان به مطالعه و بررسی زیست‌بوم آبزیان منطقه دریایی، طرح سنجش میزان آلاینده‌ها در مناطق آسیب‌دیده و سایر مناطق با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق نمونه‌برداری از حوزه‌های مختلف دریایی، تشکیل گروه‌های کاری منطقه‌ای متشکل از کارشناسان و متخصصین به منظور مطالعه علل مرگ جانداران دریایی با هماهنگی مسئولین محلی و همکاری با مقامات ذیربط منطقه‌ای و بین‌المللی و با تأکید بر اولویت تهیه دستور کار در این خصوص می‌باشد.

از دیگر فعالیت‌های سازمان، ساماندهی سفرهای پژوهشی در منطقه دریایی به منظور بررسی آثار آلودگی نفتی و تاثیر آن بر آبزیان منطقه بوده است. به علاوه از برنامه‌های ویژه سازمان، حمایت از محیط زیست دریایی در مقابل آلاینده‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی در خشکی از طریق تحقیقات در زمینه فعالیت‌های انسانی در خشکی، تهیه راهنمای اجرای پروتکل ویژه آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی، تحقیق در خصوص کشتی‌ها و سایر اجسام غرق شده در منطقه دریایی

و مشارکت در گسترش اقدامات ویژه برای تعیین درجه سمی بودن مواد تجزیه کننده لکه‌های نفتی در منطقه دریایی است. تأسیس مراکز دریافت مواد زائد جامد و مایع، فعالیت‌های کمک رسانی، تأسیس ایستگاه اطلاعاتی دورسنجی، برنامه‌های آگاهی بخشی محیط زیست، انتشارات مختلف از جمله برنامه‌های دیگر این سازمان است (ساحری و همکاران: ۱۰۱).

چالش‌های پیش روی سازمان منطقه‌ای راپمی

همان‌طور که گفته شد اگرچه سازمان منطقه‌ای راپمی از زمان تأسیس تاکنون اقدامات قابل توجهی را در خصوص مقابله با تهدیدات محیط زیست دریایی خلیج فارس انجام داده است اما به نظر می‌رسد در برخی مواقع هماهنگی و همکاری مؤثر میان کشورهای عضو در خصوص مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی در خلیج فارس انجام نگرفته است. چالش‌های پیش روی سازمان منطقه‌ای راپمی را می‌توان به دو دسته درون‌سازمانی و برون‌سازمانی طبقه‌بندی کرد.

چالش‌های درون‌سازمانی

چالش‌های درون‌سازمانی چالش‌هایی هستند که به چهارچوب و ارکان سازمان برمی‌گردد. در این راستا سازمان فاقد یک روش متحد و یکپارچه برای دریافت غرامت زیست محیطی چه در زمان جنگ و چه در زمان بروز حوادث می‌باشد زیرا راپمی از لحاظ قضایی صلاحیت رسیدگی به تخلفات آلودگی را ندارد و کشورهای که به هر علتی دچار سانحه می‌شوند بایستی جهت دریافت خسارت موضوع را به دادگاه ذیصلاح ارجاع نمایند. البته ساختار سازمانی دارای کمیسیون قضایی است که در صورتی که بین اعضا در مورد تفسیر یا اجرای قرارداد و موافقت نامه‌های کشورهای عضو اختلافی رخ دهد برای رفع اختلاف به این کمیته ارجاع می‌گردد. از این رو جهت رسیدگی به حوادثی که در دریای سرزمینی، منطقه انحصاری و اقتصادی و آب‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد، کشورهای منطقه باید از قوانین داخلی و یا ابزارهای حقوقی منطقه (کنوانسیون کویت و پروتکل‌های آن) پیروی کنند. از نظر وجود قوانین داخلی در میان کشورهای عضو سازمان، تنها شش کشور بحرین، عربستان سعودی، کویت، عمان، ایران و امارت متحده عربی قوانین و مقررات ملی حفاظت از محیط زیست دریایی را دارا می‌باشند که با توجه به زمان تصویب، قوانین مزبور در موارد متعدد تطابق کاملی با تغییرات جدید در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی ندارند (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰).

یکی دیگر از چالش‌ها فقدان برنامه‌ریزی صحیح برای پاکسازی منطقه از عوارض ناشی از جنگ‌های خلیج فارس می‌باشد. بنابراین باید اعضا باید بر اساس کنوانسیون مسئولیت خود را به درستی انجام دهند و تصویب برنامه‌ها و اعتبارات لازم برای اجرای آنها تنها راه حل مشکلات فعلی خلیج فارس

است. یکی دیگر از مشکلات درون سازمانی فقدان سازوکار حقوقی و اجرایی در خصوص استفاده کنندگان از خلیج فارس که به آلودگی و نابودی تنوع زیستی آن کمک می‌کنند، می‌باشد.

چالش‌های برون‌سازمانی

چالش‌های برون‌سازمانی را می‌توان در موضوع موقعیت استراتژیک منطقه، رقابت‌های سیاسی میان کشورهای عضو سازمان، اولویت داشتن منافع اقتصادی بر اهداف زیست‌محیطی و نفوذ قدرت‌های بزرگ بر برخی از کشورهای عضو سازمان خلاصه کرد. در واقع موقعیت استراتژیک منطقه بر محیط زیست منطقه اثر گذاشته و سبب شده موضوع محیط زیست در درجه دوم اهمیت قرار گیرد. همچنین اختلافات سیاسی موجود در منطقه، نبود روابط گسترده و نزدیک بین کشورهای منطقه و حتی وقوع جنگ در چندین برهه زمانی همکاری میان اعضای سازمان منطقه‌ای را پیمی را تحت الشعاع خود قرار داده است. به علاوه وجود حوزه‌های عظیم نفتی و در نتیجه مسایل اقتصادی مربوط به آن، باعث بروز اختلافات زیاد و حتی سبب حضور ابرقدرت‌ها در منطقه شده است. البته وابسته بودن کشورهای منطقه به درآمد حاصل از فعالیت‌های نفتی سبب شده است توجه به محیط زیست در درجه دوم اهمیت قرار گیرد (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

خلیج فارس از نظر اکولوژیکی جزو مناطق منحصر به فرد است اما شرایط طبیعی و غیر طبیعی حاکم بر خلیج فارس محیط زیست آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه به منظور حفظ محیط زیست دریایی خلیج فارس سازمان منطقه‌ای را پیمی تشکیل شده و اقداماتی را هم در این زمینه انجام داده است اما به نظر می‌رسد در عمل این سازمان با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو است که برخی از این موانع به مشکلات ماهوی و درونی خود سازمان مربوط می‌شود و به تعبیری درون‌سازمانی است و برخی از مشکلات و چالش‌ها هم در خارج از سازمان را پیمی ریشه دارد که می‌توان آنها را مشکلات برون‌سازمانی دانست که شامل موقعیت استراتژیک منطقه، رقابت‌های سیاسی میان کشورهای عضو سازمان، اولویت داشتن منافع اقتصادی بر اهداف زیست‌محیطی و نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه می‌شود. بنابراین به منظور رفع این مشکلات و چالش‌های پیش روی سازمان منطقه‌ای را پیمی راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

راهکارهای درون‌سازمانی

۱. برگزاری دوره‌های تخصصی و علمی به منظور حل مشکلات درون سازمانی را پیمی و بازبینی اساسنامه آن
۲. برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی برای تعیین اهداف و منافع مشترک حفظ محیط زیست دریایی

۳. شناخت منابع آلوده کننده ای که در خشکی و مناطق ساحلی وجود دارد و برنامه ریزی جهت مقابله با آن
 ۴. نظارت کامل و دقیق بر تردد نفت کش‌ها و قرار دادن جریمه‌های سنگین برای نفت کش‌های آلوده کننده
- راهکارهای برون سازمانی**
۱. برگزاری دوره‌های آموزشی علمی و تخصصی در سطح منطقه در ارتباط با محیط زیست دریایی و حفاظت از آن
 ۲. همکاری و مشارکت کشورهای پیرامون منطقه خلیج فارس برای بهسازی و پاکسازی این منطقه در جهت حفظ چشم‌اندازهای طبیعی آن
 ۳. فرهنگ سازی بین اقشار مختلف مردم منطقه در جهت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس
 ۴. امضای تفاهمنامه کشورهای منطقه خلیج فارس برای نوسازی و به روز کردن کشتی‌های نفت کش جهت بالا بردن ضریب اطمینان از عدم نشت نفت به علت فرسودگی (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶).

منابع

- داداندیش، پروین و ولی کوزه گر کالجی (۱۳۸۹)، «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی» فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، پاییز، صص ۷۳-۱۰۷.
- اقارب پرست، محمدرضا و حجت‌الله همتی (۱۳۸۷)، «امنیت در حوزه خلیج فارس». تهران: هجدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۲۰، ش ۲۳، زمستان، صص ۸۵-۱۰۶.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، ش سوم، پاییز، صص ۴۹۱-۵۱۱.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)، «بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست محیطی با رویکرد مکتب انتقادی»، مجله محیط‌شناسی، سال چهارم، ش ۴، تابستان، صص ۱۳۹-۱۴۸.
- بوزان، باری؛ ویور، الی و پاپ دو ویلد (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۳)، درآمدی بر روابط بین‌الملل. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی. تهران: نشر میزان.
- لطفی، حیدر؛ بقایی، حمید؛ موسوی، سید رضا و سهیل خیامباشی (۱۳۸۹)، «محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن». فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، زمستان.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶)، «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، صص ۷۲۶-۷۵۰.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت؛ مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۷)، «محیط زیست خلیج فارس: رویکردی بر اهمیت در ژئوپلیتیک منطقه» فصلنامه سپهر، دوره ۱۷، ش ۶۸.
- ممتاز، جمشید (۱۳۶۸)، «حمایت و توسعه محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره یازدهم، پاییز و زمستان.
- ساحری، ساناز؛ پورنوری، منصور؛ و پروین فرشچی (۱۳۸۹)، «بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های دریایی اتحادیه اروپا و سازمان راپمی برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست دریاها». انسان و محیط زیست، قابل دسترسی در سایت اینترنتی انجمن متخصصان ایران www.irsen.org
- بررسی اولویت‌های زیست محیطی خلیج فارس و دریای عمان. گزارش تخصصی دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس. کد موضوعی ۲۵۰، شماره مسلسل ۱۲۱۶۰، دی ماه ۱۳۹۰

- فرشچی، پروین؛ فرهاد دبیری و سارا شجاعی (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان از دیدگاه حقوق بین‌الملل» فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره چهارم.